

آیا دلایل ارائه شده برای تغییر نام سازمان کارگران انقلابی به سازمان راه کارگر پذیرفتنی هستند؟!

نگاهی به قطعنامه* و دلایل ارائه شده برای تغییر نام سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) به سازمان راه کارگر.

قطعنامه دلایلی را برای این تغییر برشمرده که ابهام زا و چالش برانگیز بوده و پرسش هائی را پیشا روی خواننده می گذارد. در صورتی که این تغییرات جزئی و معطوف به اشکالات فنی بودند نیازی هم به این یادداشت نبود، اما از آنجائی که این تغییر نام متأسفانه مهمترین مشخصه یک سازمان انقلابی با چندین دهه قدمت را نشانه گرفته و از آنجائی که جنبه اجرائی یافته و اعلام بیرونی هم شده، نمی توان به عنوان یکی از مخاطبین و از علاقمندان به سرنوشت چپ از کنار آن بی اعتنا رد شد. نکات قابل نقد عبارتند از:

نکته اول:

اعتبار و سرمایه یک سازمان شناخته شده با دهها سال سابقه مبارزاتی و صدها جان باخته و هزاران زندانی و هوادار و خانواده ها، قاعدتا دیگر فقط متعلق به آن عده معدودی که به عنوان عضورسمی در آن حضور دارند نیست. نام چنین سازمانی در طی چندین دهه مبارزه نفس گیر در حافظه آنها و نیروهای چپ و روایت ها و رویدادهای این برهه از تاریخ حک شده است، از این رو نمی توان به خاطر ایجاد خرده مرزبندی ها، با آن هم چون تعویض تن پوشی برخورد کرد. اگر اعتبار یک سازمان سرمایه ای تاریخی است و نمی تواند صرفا در اختیار عده ای محدود باشد، حتی اگر بفرض دلایل قوی هم برای تغییر نام آن در دست می بود، باز هم بدون احساس مسئولیت در برابر آنها و بدون مشورت و مشارکت دادن و در نظر گرفتن تمایل آنها به طرق گوناگون و ممکن شیوه درستی نبوده است*، تاچه رسد به دلایل غیرموجه و معطوف به خرده مرزبندی با دیگران و در نشست و برخاست عده ای محدود از این خیل سازندگان اعتبار یک سازمان.

نکته دوم

نام یک سازمان به عنوان چکیده و فشرده اهداف والای یک جریان باورمند به انقلاب مسأله بی اهمیت و تشریفاتی نیست. البته این درست است که نام عینا معادل هویت یک سازمان نیست و استقلال نسبی خود را دارد، اما بی ارتباط با آن هم نیست و هم چون لوحی فشرده، نشانی از اهداف و هویت یک جریان را برپیشانی خود دارد. و درست بهمین دلیل "ماپملک" یک تعداد معین و محدود نیست و نمی توان صرفا با سلیقه مقطعی و بدون بازبینی و نقد کلی و مشارکت وسیع تر آن را بسادگی این ور و آن ور کرد.

دیگر آنکه تغییر صورت گرفته با آنکه برطبق دلیل دوم از منظر خرده مرزبندی ها صورت گرفته، اما در اساس خود یک تغییر معطوف به ماهیت و هویت است. اگر تغییرات جزئی بودند و بود و نبودش در ماهیت یک جریان تأثیری نمی گذاشت، مثلا اگر این تغییر فقط حول حذف پسوند نام کمیته مرکزی بود که چندسال پیش به خاطر ایجاد تمایز بین دو جریان از هم جدا شده، به نام اصلی سازمان (در پرانتز) اضافه شد امری فرعی بشمار می رفت دیگر حذفش هم مسأله برانگیز نبود. اما وقتی دامنه این تغییرات عنوان کارگران انقلابی یعنی اخگر سوزان یک سازمان رزمنده را نشانه می گیرد، دیگر فراتر از این نوع ملاحظات فرعی می رود و چالش برانگیزی می شود. ملاحظه بعدی آنکه هر تغییری مستقل از ذهن و هدف و اراده تصمیم گیرندگان حاوی پیامی است به مخاطبان بیرونی که پی آمدهای خود را دارد که قاعدتا باید به هنگام اتخاذ تصمیم در مدنظر باشد.

در توجیه این تغییر گفته می شود نام کنونی جانفیتاده و ما را همه جا به نام سازمان راه کارگر می شناسند! این ادعا حتی اگر صحت هم داشته باشد، دلیل بسنده و موجهی برای تغییر نام یک سازمان

انقلابی و با اهداف رهائی بخش نیست. و این پرسش را مطرح می کند که آیا نام یک جریان اساسا از اهداف والای آن الهام می گیرد، یا با ملاحظات باصطلاح رئال پلنیک از قبیل جاافتادگی و مقبولیت در نزد دیگران؟

اما حتی از جنبه عینی هم به قضیه نگاه کنیم ادعای فوق بیشتر یک توجیه است تا استدلال بسنده. واقعیت آن است که سواى هواداران و نیروهای چپ و بخشی از روشنفکران، اکنون بخش اندکی از طبقه گسترده کارگر و مردم ایران بدلالی خارج از حوصله این نوشته، سازمان های چپ را می شناسند و بنابراین استناد به چنان ادعائی روانیست. ولی اگر منظور همان تعداد کمابیش محدود از کارگران و فعالان و هواداران و یا گروه های سیاسی است که جریان راه کارگر را می شناسند و با مواضع آن آشنايند و یا نسبت به آن حساسند، از قضا آنها کسانی هستند که اکثرا ما را با همین هویت و نام می شناسند و اگر تعلق خاطری هم دارند از همین منظر است. آنها ممکن است مثل هر کس دیگری نام سازمان و هر جریانی را به شکلی خاص و در تطابق با سلیقه خود و چه بسا تلخیص شده بکار گیرند و همواره چنان خواهند کرد، همانطور که هریک از ما در مورد دیگران این کار را می کنیم و یا حتی اعضاء یک سازمان نسبت به نام کامل سازمان خود انجام می دهند. این جور دخل و تصرف سلیقه ها الزاما به معنی مخالفت آنان با اسم کامل و بی اعتبار شدن آن نیست. از همین رو بدون یک تحقیق میدانی گسترده توسل به این نوع توجیهاست نمی تواند چندان اعتباری داشته باشد و هیچ تضمینی هم نیست که حتی نام جدید خوش آیند کسانی باشد که به نام آنها استدلال می کنیم و یا آنطور که می خواهیم بکار گرفته شود (اگر استناد تغییر آنها باشند). و گرنه بدون وجود چنان تحقیق میدانی عوض کردن نام تا سطح اهمیت تعویض موسمی لباس تنزل خواهد کرد.

اما مسأله مهمتر اصلی آن است، سازمانی که می خواهد بدور از افسون رئال پلنیک برخلاف جریان حاکم شناکند، نمی تواند عنوان خود را مشروط به خوش آیندی و بدآیندی دیگران نماید و بدان طریق، نام خود را که بدرجائی و لو فشرده و اجمالی، بازتاب دهنده هویت یک جریان است تغییر دهد، مگر آن که این کار نتیجه فرایند طبیعی یک نقد و رویکرد کلی و همه جانبه باشد. و گرنه بجای حرکت برخلاف جریان آب (مناسبات حاکم بر جهان) به دام جریان مقبولیت و سلايق دیگران می افتد و حساسیت اش نسبت به آن از حساسیت اش نسبت به اهداف خود بیشتر خواهد بود.

نکته سوم:

از منظر دیگری هم می توان به چند و چون دلایل ارانه شده در اطلاعیه پرداخت:

می دانیم که در عصر پسا فروپاشی بلوک شرق و "سوسیالیسم دولتی" و تعرض عنان گسیخته سرمایه داری نئولیبرال و دوره برآمدشبه گفتمان های واپسگرای بنیادگرا، مدتهاست که گفتمان انقلاب و گفتمان کمونیزم و تغییررادیكال مناسبات حاکم بر جهان در راستای برابری اجتماعی، زیر فشار سنگینی قرار گرفته و در محاق فرورفته است. در چنین شرایطی عقب نشینی از آن ولو آن که گیرم صرفا در حد اسم و زدودن ردپای آن از پیشانی خود باشد، بی تردید پیام خوبی را پژواک نخواهد داد. نخستین پیام آن به مخاطب آشنا و ناآشنا خواهد بود که این سازمان لااقل در اسم از انقلاب فاصله گرفته است. همانطور که اشاره شد این پژواک خارج از اراده و نیت تصمیم گیرانش خواهد بود. یعنی ذره ای خدشه و تردید در وفاداری تصمیم گیران نسبت به انقلاب وجود نداشته باشد خارج از اراده آنها تغییر نام بازتاب منفی خود را خواهد داشت.

اما در رابطه با حذف عنوان کارگران انقلابی از نام سازمان، نکته چالش برانگیز مهم دیگری هم وجود دارد: همه می دانیم که کارگر به مثابه کارگر و تولید کننده ارزش اضافی، بخودی خود به معنای اتلاق انقلابی بودن به آن نیست. آنها تا جائی که مشغول بازتولید سرمایه هستند بخشی از سازوکارهای

نظام سرمایه داری به حساب می آیند. اهمیت طبقه کارگر برای کمونیست ها اساسا بخاطر وجود ظرفیت بالقوه فرارونده آن علیه مناسبات سرمایه داری و تقویت این وجه آن است. اشاره به انقلاب و کارگران انقلابی در نام یک سازمان در حقیقت نشاندهنده آن است که کارگران ضرورتا برای رهائی از بردگی باید علیه کارمزدورانه و مناسبات انقیادآور بپاخیزند و گرنه تبدیل کردن خود به "سازمان کارگران" در بهترین حالت خود، سرنوشتی بهتر از حزب واقعا "کارگری" انگلیس (و یا احزاب مشابه در سایر کشورهای اروپائی) نخواهد داشت که خوانندگان خود به پیشینه و تاریخچه و سرنوشت این نوع پوست اندازی در مورد حزب کارگران انگلیس از زمان مارکس و انگلس تا زمان کنونی واقفند.*

از دلیل اول اطلاعیه که بگذریم به دلیل دوم یعنی خرده مرزبندی ها با جریان دیگرراه کارگر می رسیم. اما در اینجا هم این پرسش یقه ما را ول نمی کند: اگر واقعا دلیل اول وجود واقعی می داشت چرا در طی این سی و چندسال عمر این سازمان تنها در این مقطع زمانی برجسته شده و به ذهن برخی ها خطور کرده است، آنهم معلوم نیست با اتکاء به کدام تحقیقات میدانی ومستند؟! از آنجا که اکنون سازمان های موجود اکثرا لااقل به طور مستقیم تحت تأثیر فضای عمومی جامعه و فشارهای آن قرار ندارند، براهیمت پرسش فوق باز هم افزوده می شود. بهمین دلیل در استدلال برای بازگشت به نقطه صفر یک حفره پرنشندی وجود دارد. از این زاویه بنظرمی رسد که "محرک وانگیزه" در این رویکرد بیشتر همان دلیل دوم یعنی مرزبندی های فرقه ای باشد. این نوع مرزبندی ها معمولا خود هدفند و می توانند اهداف دیگر را در سایه ببرند. اما نکته غم انگیز آن است که این تغییر دانسته و ندانسته اخگرسوزان سازمان یعنی رزمندگی و باوربه انقلاب را نشانه گرفته است و این دیگرمایه گذاشتن از هویت و اهداف کلان و راهبردی برای رفع و رجوع دعوای پایان ناپذیرفرقه ای است. و گرنه چگونه می توان بدون در نظرگرفتن تقابل و کشاکش جهان دوگانه "ما و آنها" به فهم بازگشت افتخارآمیز به نقطه صفر سی و چندسال پیش نائل شد؟! و با خیره شدن به رقیب راه رفتن خود را فراموش کرد؟! در شرایطی که سرمایه داری مهاجم با این ادعا که نظام حاکم جایگزینی ندارد و انقلاب در معنای تغییرمناسبات موردتمسخر و نیشخندآوازه گران سرمایه و بریدگان از چپ است، این اقدام رفقا جز یک عقب نشینی در یکی از بخشهای رزمنده و شناخته شده چپ موجود نیست. جریانی که شعار "انقلاب مرد، زنده باد انقلاب" یکی از افتخارات آن است و عملا با آن اعلام موجودیت سیاسی کرد چگونه می تواند پس از طی چندین دهه آنها به مناسبت سالگردقیام ۲۲ بهمن ۵۷ با افتخار "بازگشت شکوهمند" خود به نقطه صفر اعلام کند و بکوشد که ردپای آن را از پیشانی خود بزدايد؟! آیا شکل و محتوا در عنوان تازه باهم سازگار و منطبق اند یا شکاف و دوگانگی بین آنها درجریان است؟ آیا می توان امید و باورداشت که حذف ردپای انقلاب از پیشانی خود صرفا جنبه های شکلی و فنی داشته و بامحتوای انقلابی در تقابل و تضاد باشد؟ ای کاش چنین باشد! اما نباید فراموش کنیم که دینامیسم تحولات را نه ذهنیت چندنفر تصمیم گیر و لو با نیت خیرتعیین می کند و نه آنکه این ذهنیت و افرادحامل آن الزاما همیشه پابرجایند که از نیت خود دفاع کنند! آنها معمولا هموار کننده راهی هستند که دربلندمدت تحولات خارج از اراده آنها راه خود را خواهد گشود. از این رو باید هوشیار بود که از قدیم گفته اند گاهی راه جهنم با نیت خیرمفروش می شود!

البته حذف عنوان انقلاب از پیشانی را نمی توان معادل "خداحافظ انقلاب" از تن سازمان دانست. اما از بیان این حقیقت هم نمی توان گذشت که بنا به نص صریح قطعنامه و به عنوان دلیل دوم، لااقل رفقا برای ایجادتمایزبا رقیب خود از عنوان "کارگران انقلابی" مایه گذاشته اند، که به معنی افتادن به دامچاله خرده مرزبندی های فرقه ای و فرونهادن افق های بلند است.

بهرحال می دانم که شناکردن در جهت باد خوش آیندهیچ کدام از رفقا نیست و می دانند که چپ ضمن تعمیق نقدهای خود از خطاها و تجربه های گذشته و تحولات جهانی صورت گرفته و یا در حال صورت گرفتن، باید به آرمانهای والا و رهائی بخش وفادارماند. شکاف طبقاتی جامعه جهانی امروزه بیش از هرزمانی دوقطبی شده و ضرورت گسست از آن و تغییررادیکال شرایط زیست و مناسبات اجتماعی اهمیت روزافزون پیدامی کند، و چپ با باوربه ضرورت تغییرات ژرف و مشارکت فعال در آن زنده است و گرنه نه چپی در میان خواهد بود و نه از تاک نشانی!

۲۰۱۴-۰۲-۱۸ تقی روزبه

زیرنویس ها:

*- معنای این سخن آن نیست که من اسم موجود را ایده ال و وتنها شکل بیان این رویکرد انقلابی می دانم. هم چنین به معنای پذیرش و دفاع از شکاف و تمایز نهادینه شده بین کارگران و انقلابیون هم نیست. باور به ماهیت فرقه ای جریانات چپ و رویکرد انتقادیم به آنها هم به معنی آن نیست که هرگونه تغییر و تحولی در این جریانات اعم از مثبت و یا منفی و تضعیف و تقویت جنبه های انقلابی و یا رفرمیستی برابم بالسویه بوده و نسبت به آنها بی تفاوت باشم. هم چنین باید اضافه کنم که انتقادهای مطرح شده نسبت به چگونگی تصمیم گیری از یکسو و نابسند بودن دلایل اقامه شده و محتوای این تصمیمات از سوی دیگر است و نه نفی حق تصمیم گیری.

*- حداقل آن خانواده ها و افراد و هواداران و یا حتی کسانی که در دسترس اند و سالیان دراز همسنگر بوده اند و هم چنان هم بر اهداف والای مبارزه علیه سرمایه داری و حکومت اسلامی وفادارند و حتی مشورت با دیگر جریانات و نیروهای چپ. و البته قصد از این نوع مشارکت جوئی سوای در نظر گرفتن حق و تلاش های آنها در اعتبار بدست آمده سازمان است، بلکه هم چنین به معنی تقویت زمینه های تصمیم سنجیده است و الزاما به معنای جنبه حقوقی دادن به آن و رأی گیری هم نیست.

اطلاعیه اصلاح « نام » سازمان

در کنگره هیجده سازمان که ژوئیه ۲۰۱۳ برگزار شد، جمعی از اعضای سازمان خواستار بررسی موضوع اصلاح نام سازمان و تغییر آن به همان اسمی که در بدو پیدایش سازمان (چهار تیر ۵۸) برگزیده بودیم شدند. در این ارتباط پس از بحث مقدماتی، کنگره به کمیته مرکزی منتخب ماموریت داد که با برگزارای مجامع اینترنتی و راه انداز بحث در میان اعضای سازمان، موضوع را پیگیری و سرانجام به همه پرسى بگذارد. این مهم اخیرا به سرانجام رسید و در جریان یک فرآیند از میان گزینه ها و پیشنهادات موجود، اکثریت اعضای سازمان به گزینه زیر رای دادند که جهت اطلاع عموم و همزمان با سالگرد قیام ۲۲ بهمن ۵۷ منتشر می شود:

کمیته مرکزی سازمان – ۲۲ بهمن ۱۳۹۲

قطعه نامه پیرامون اصلاح نام سازمان

- نظر به اینکه با وجود گذشت سی سال از تغییر نام سازمان از « راه کار گر » به « سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) »، این نام هنوز در جنبش جا نیافتاده و ما در همه جا بنام « راه کار گر » شناخته می شویم؛
- نظر به اینکه انشعاب بخشی از رفقای ما با نام: " سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کار گر)" (هیأت اجرایی) تشابه اسمی با ما را موجب شده و این به دنبال خود در اذهان عموم، آشفتگی ایجاد کرده و استقلال مواضع دو سازمان را که از هم جدا شده ایم، مغشوش می نماید؛
سازمان ما بر اساس این ملاحظات، تصمیم گرفته است از این پس به همان نام آغازین خود « راه کار گر » برگردد.
به این وسیله به اطلاع همگان می رسانیم که از این پس در تمامی اسناد و مکاتبات سازمانی ما، پیشوند « کارگران انقلابی ایران » از نام سازمان حذف میشود.

بنا بر این تصمیم، نام رسمی سازمان ما: سازمان راه کار گر خواهد بود

سازمان راه کار گر

فوریه ۲۰۱۴ – بهمن ۱۳۹۲